

زندگی جان کیتس^۱ و تفسیری از "غزل پائیزی"

اثر: دکتر جاوید قیطانچی

از: دانشگاه تهران

چکیده

جان کیتس (۱۷۹۵-۱۸۲۱) شاعر رمانتیک انگلیسی تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی نداشت و با مطالعه آزاد و شخصی نبوغ خود را قوت بخشید. بعلت ابتلاء به بیماری سل در سن ۲۵ سالگی در ایتالیا درگذشت. در عمر کوتاه خود بیش از ۶۰ شعر سرود و "غزل پائیزی" در بین غزلهایش بهترین شناخته شده است. این غزل در سه قطعه، مناظر و صداهای پائیزی را ارائه می دهد و تصویر گذشت زمان را در قالب چهار فصل و یا یک روز از پائیز به معرض نمایش می گذارد. ساختار شعر او در اثر استفاده از فنون و صناعات شعری چون استعاره، جناس، تکرار، تصویر سازی، واژه های تقلید صدا، و اعطای شخصیت به چیزهای بی جان، غنی گردیده است. به پائیز شخصیت مادری و به خورشید شخصیت پدری داده شده و بدین کیفیت باروری و محصولات فراوان به وجود آمده است. همانند آثار دیگر کیتس، موضوع تولد، زندگی و مرگ در این غزل نیز بصورت ضمنی پدیدار شده است. در پایان غزل سرود خدا حافظی بصورت دسته جمعی با شرکت مخلوقات کوچک و بزرگ مزارع خواننده می شود. فضای غروب پائیزی آکنده از غم و اندوه می گردد و سکوتی پاک و مقدس بر آسمان همه جا حکم فرما می شود.



در بین شعرای رمانتیک انگلیسی سه نفر آنها و بخصوص دو نفرشان عمر بسیار کوتاهی داشتند. لرد بایرون^۲ در ۳۶ سالگی بعلت بیماری در یونان درگذشت. شلی^۳ در ۳۰ سالگی در نزدیک شهر اسپتسیا^۴، در حالی که مشغول قایقرانی بود در دریا غرق شد. کیتس به بیماری سل مبتلا گردید. بنا به توصیه پزشکان معالج در جستجوی آب و هوای گرم و ملایم از طریق دریا به ایتالیا رفت. در شهر رم^۵ هم از چنگ بیماری نجات نیافت و در سن ۲۵ سالگی دیده از جهان فرو بست. در این مقاله زندگی کوتاه کیتس با تکیه به مجموعه نامه ها و منابع دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد و یکی از غزلهای مشهور او زیر عنوان "پائیز"، که در حقیقت زندگی و پائیز عمر انسان و بخصوص عمر شاعر را نشان می‌دهد به چندین طریق بررسی می‌شود.

شاید صحبت در مورد شعرای رمانتیک انگلستان را نتوان بدون اشاره به دوتن از آنها به نام های ویلیام وردزورث^۶ و ساموئل تیلر کولریج^۷ آغاز کرد. قدرت کلام و بیان این دو شاعر و نبوغ آنها در این دوره بصور مختلف متبلور می‌شود. آنها پدیده‌های پاک خلقت و خداوندی را در آسمان و زمین جستجو و بیان می‌کنند. در مورد جان کیتس منابع قابل ملاحظه فراوانی وجود دارد. دایرةالمعارف‌ها، مجموعه های ادبی، گلچین ها و حتی کتابهای درسی و زبان شناسی که بیشتر اشعار وی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، بنحوی زندگانی شاعر را که اصولاً لازمه کار است معرفی مینمایند.^۸

جان کیتس در خانواده‌ای فقیر در انگلستان دنیا آمد. پدر او اصطبل‌دار در لندن جهت نگاهداری اسب و یا اجاره دادن آنها اداره می‌کرد و کیتس در سن ۸ سالگی به مدرسه رفت ولی تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی نداشت و بیشتر مطالعات او شخصی و بر مبنای آثاری بود که بوسیله دوستانش به وی تقدیم

می شد، و یا آثاری بصورت مرجع و فرهنگ مورد استفاده وی قرار می گرفت. برای مدتی می خواست رشته پزشکی را انتخاب نماید و بهمان علت هم مدتی بعنوان شاگرد در بیمارستان سنت تامس^۹ در لندن کار کرد. در مدت کوتاه تحصیل در مدرسه، دوستانی پیدا کرد که بیشتر ذوق و شوق ادبی داشتند. در سال ۱۸۱۳ کیتس در سن ۱۸ سالگی بود که یکی از دوستانش او را با آثار ادموند اسپنسر^{۱۰} که بزرگترین شاعر انگلیسی بعد از جفری چوسر^{۱۱} در قرن شانزده به شمار می آید، آشنا ساخت و یک نسخه از کتاب مشهور اسپنسر را که زیر عنوان ملکه پریان^{۱۲} است با او هدیه داد. با مطالعه این کتاب که پر است از زیباییهای دلکش و موسیقی الفاظ که روح انسان را به نشاط وامیدارد، به نظر می آید در روحیه شاعری کیتس انقلاب و تغییراتی شگرف به وجود آمد. به عبارت دیگر بارقه های شاعری، بیشتر و بیشتر بارور شده و به آثار شاعران دیگر رو آورد تا استعدادهای خدادادی خود را قوت بخشد و دریابد که ذوق زیباشناسی اش به کدام سوی بیشتر مایل است. در این راستا در مواردی به تقلید از آثار اسپنسر و دیگران دست به قلم برد، و آثار جدیدی پدید آورد. در این تقلیدها با طبیعت آشنائی بیشتر پیدا کرد و به توصیف مناظر و صداهای دلکش آن پرداخت. کیتس رنگها و سایه روشن هارا می توانست طوری درهم بیامیزد که تابلوهای رنگارنگ و زیبایی را با قدرت شاعرانه خود ترسیم و رنگ آمیزی نماید. به نظر بعضی از منقدین استعداد او از این جهت نسبت به وردزورث برتری داشت. بدین ترتیب بتدریج تجربه کافی پیدا کرد و اشعاری که بعدها سروده دلیل بارزی بر شکوفائی استعدادهای درونی اوست. ولی با همه اینها به نظر می رسد که او در اواخر عمر از دنیای شادی و سرور اسپنسر فاصله گرفته و بیشتر به بیان زیباییها و ریزه کاری های طبیعت همانند شکسپیر پرداخته است.

در انگلستان یکی از محل هائی که الهام بخش وردزورث، کولریج و کیتس بود لیک دیستریکت^{۱۳} به شمار می آید. زیبایی های طبیعت این محل در روحیه هر سه شاعر تاثیر فراوانی گذاشت. کیتس در نامه ای که به توماس کیتس نوشته

صحنه‌ای از طبیعت را در اینجا تعریف می‌کند و می‌گوید "من شعر سرودن و خواندن را در اینجا یاد خواهم گرفت ..."^{۱۴} و این همان روحیه رمانتیکی است که برافکار شعرای این دوره حاکم بوده است. متأسفانه در مورد کیتس این روحیه مجال شکوفائی بیشتری پیدا نکرد و در بازگشت از سفر علاوه بر فوت مادرش که چندی قبل اتفاق افتاده بود این بار برادر ۱۸ ساله خود بنام تام^{۱۵} را با مرض سل دست به گریبان می‌بیند. او مجبور می‌شود که یکسال تمام همانند مادرش به پرستاری برادر بپردازد و این مرضی است که چندی بعد خود کیتس را نیز از پا در می‌آورد. نداشتن مادر و از دست دادن برادر و پدر و تنهایی شاید سبب شد که وی علاقه شدیدی به فنی براون^{۱۶} که دختر جوانی بود پیدا کند. اگرچه مجال نشد که این رابطه و علاقه شدید بارور شده بصورت ازدواجی جلوه‌گر شود ولی تا روز و حتی ساعات آخر عمر این علاقه بصورت های مختلف جلوه‌گر بوده و آخرین نامه هائی که از سوی فنی براون به کیتس نوشته شده بود در پاکت های در بسته در ایتالیا باقی می‌ماند.

یکی از منابعی که جهت مطالعه و دست یابی به صفات گوناگون علمی و زندگی شاعران و نویسندگان به کار می‌رود مجموعه نامه هائی است که شاعر و یا نویسنده، خود نوشته و یا از دیگران دریافت کرده است. اصولاً نامه ها، سبک نویسندگی، افکار و گسترش ارتباط را نشان می‌دهند و از بابت درک پیام هائی که یک شاعر از طریق سروده هایش باقی می‌گذارد بسیار مفید واقع می‌شوند و گاهی بصورت اسناد درخشانی مورد مطالعه دوستاناران شاعر قرار می‌گیرند. مجموعه نامه هائی که از کیتس باقی مانده است بخصوص در قرن بیستم^{۱۷} بیشتر در میان مردم طرفدار داشته و باعث آشنائی بیشتر با او گردیده است.

مجموعه نامه های کیتس که به ترتیب تاریخ نگارش آنها دسته بندی شده وقتی که مورد مطالعه قرار می‌گیرد انسان زندگی شاعر را از نزدیک لمس می‌کند و می‌بیند چگونه شور و عشق و علاقه به زندگی همانند سرنوشت او به تراژدی انجامیده و نامه هائی که در آخر عمر و بخصوص از ایتالیا نوشته شده است غم‌انگیز

و اوضاع و احوال او را که با درد و مرگ دست به گریبان است نشان می دهند. مجموعه نامه های کیتس مورد تحسین و تمجید منقدین زیادی قرار گرفته و می گویند در زمره "بهترین نامه های ادبی است که به انگلیسی نوشته شده و کامل ترین مجموعه این نامه ها در سال ۱۹۳۱ منتشر شده و چاپ بعدی هم در سال ۱۹۶۰ بوده است"^{۱۸} ولی همانند بیشتر شعرا آگاهی از بزرگی مقام و منزلت کیتس از نظر ادبی و مفاهیم اشعارش رشد تدریجی داشته و در سال ۱۸۴۸ بود که ریچارد مانکتن میلنز^{۱۹} اطمینان حاصل کرد زندگی و نامه ها و آثار ادبی باقی مانده از کیتس را می تواند در دو جلد به مردم عرضه کند. در این دو جلد نامه های مهمی که شاعر نوشته و یا دریافت کرده است و همچنین تعدادی از اشعار مهم و غزل ها و قصیده های ناب او به چاپ رسیده است.

کیتس در زندگانی کوتاه و پرفراز و نشیب بیش از ۶۰ شعر و قصیده سروده و به خاطر محتوای سروده هایش بخصوص بعد از حیات مورد توجه و احترام قرار گرفته است. یک شعر او در ماه مه سال ۱۸۱۶ در هفته نامه ادبی سیاسی که زیر عنوان "اگزیمینر"^{۲۰} بود چاپ شد. این شعر عنوانش "تنهایی"^{۲۱} بود و موفقیت این شعر سبب شد که کیتس رشته پزشکی را رها کند و با تمام توان به شعر و شاعری بپردازد.

در زندگی بعضی از شعرا و نویسندگان دیگر نیز این چنین اتفاق افتاده یعنی در اوایل جوانی به آموزش طب می پردازند و بعد انقلابی در ذهن شان بوجود می آید که مطالعه طب را نیمه تمام ترک می کنند و بقیه زندگی را به سرودن شعر و نویسندگی می پردازند. بعنوان مثال در ادبیات انگلیسی شاعر معاصر رابرت بریجز^{۲۲}، که مقاله ای نیز در مورد اشعار کیتس نوشته، و سامرست موهام^{۲۳} که رمان داستانهای کوتاه وی مشهور است، و در ادبیات ایران محمد حسین شهریار را می توان نام برد. اینها چندین سال رشته پزشکی می خواندند و بعد نبوغ ادبی و شعری شان سبب شد که از آن رشته دست برداشته و بقیه عمر به نویسندگی و

سرودن شعر پردازند. جالب است که شهریار طبیب بالاخره بصورت غزل سرای نادری جلوه گر می شود که به دو زبان فارسی و ترکی آذری شعر می گوید و جزو شعرای نادر به حساب می آید که قادر بوده زیباییهای طبیعت و لطائف زندگی را به دو زبان پروراند و پیام های خود را به نیکوترین وجه، بازبان شیرین و شیوابه دلهای مردم بسپارد و طبیب و حبیب دل های مردم گردد. جالب است که کیتس در عمر کوتاه خود از این امر آگاه بوده و می گوید: "مطمئناً شاعر حکیم دانا، انسان شناس و پزشک همه انسانها و بشریت است."^{۲۴}

بیماری سل که کیتس را مبتلا ساخته بود روز بروز پیشرفت می کرد و در فوریه سال ۱۸۲۰ به مرحله ای رسید که پزشک معالج او توصیه نمود به منظور دوری از سرمای زمستان انگلستان و استفاده از هوای گرم و مطبوع به ایتالیا برود و لذا کیتس همراه دوست نقاش خود بنام جوزف سورن به شهر رم در ایتالیا رفت و بقیه عمر که توام با ناراحتی جسمی و ذهنی بود در همین شهر سپری کرد. کیتس در ساعت ۱۱ شب ۲۳ فوریه در حالی که فقط ۲۵ سال و ۴ ماه داشت در خانه ای واقع در محله اسپنیش استپس^{۲۵} روی بازوان سورن چشم از این جهان بست. "این محل امروزه بعنوان بنای یادبود، باقی مانده از کیتس و شلی در شهر رم نگاهداری می شود."^{۲۶} آرامگاه کیتس در قبرستان پروتستانها در این شهر قرار دارد. کیتس در بستر مرگ از سورن خواسته بود که نامش در روی سنگ آرامگاه وی منعکس نشود و خواسته بود که فقط نوشته شود: "در این جا کسی آرمیده که نامش روی آب نوشته شده بود." و لذا مطالب زیر روی آرامگاه کیتس به زبان انگلیسی حکاکی شده و تا به امروز باقی مانده است:

"این آرامگاه، باقیمانده وجود محکوم به مرگ یک شاعر انگلیسی را در خود دارد. شاعری که در بستر مرگ با قلبی پراز درد و رنجش به خاطر کینه توزی دشمنانش خواست که کلمات زیر در روی این سنگ حکاکی گردد:

در این جا کسی آرمیده که نامش روی آب نوشته شده بود، ۲۴ فوریه ۱۸۲۱"^{۲۷}

کیتس موقعی که در اوج کمال و خلاقیت بود چهار غزل سروده که هرکدام از آنها ذهن خلاق او و قدرت بیان و توصیف او را نشان می دهند که چگونه سایه روشن زیبایی های طبیعت را نقاشی می کند.^{۲۸} در بین آن ها "غزل پائیزی" که در اواخر سال ۱۸۱۹ سروده شده موقعی است که کیتس مادر و برادر خود را از دست داده، علاقه و رابطه اش با فنی براون به درد و رنج تبدیل شده و وضع مالی خوبی نداشته و لذا تراژدی عمر خود را از طریق این غزل بیان نموده است. این مجموعه ای است که او را در حد کمال نشان می دهد و اگر منحنی زندگی کیتس را در دست داشته باشیم "غزل پائیزی" اوج و قله آن را نشان می دهد که افت و پائین آمدن از این اوج و ارتفاع خیلی سریع پیش می آید و علت این امر ابتلاء به بیماری سل است. به عبارت دیگر تجربه های به کمال رسیده کیتس و شکوفائی نبوغ وی از بابت بیان احساسات و ادراکی است که در این غزل ظاهر می شود و در عین حال نشان می دهد که چقدر به زمستان و پایان کل داستان نزدیک است.

موضوع اصلی این غزل رسیدن میوه هاست ولی بصورت تطبیقی شباهت و رابطه نزدیک نشان می دهد که انسانها نیز این چنین به حد کمال می رسند و لذا همین کامل شدن میوه ها و یا کامل شدن انسانهاست که پشت سرشان پائیز و پایان را در خود می بینند و گفته شکسپیر در نمایشنامه لیرشاه شاید در موقع سرودن این شعر در ذهن کیتس نیز متبلور گشته بود: "رسیدن به حد کمال یعنی پایان کار و مرگ است."^{۲۹} در پائیز، بعد از آن که میوه ها و صیفی جات رسیدند زیاد روی درخت و بوته نمی مانند یا چیده می شوند و یا اگر بیشتر بمانند بصورت خشک و گاهی پوسیده با کوچکترین باد و نسیم روی زمین میافتند. انسانها نیز به نظر می رسد این چنین هستند به حد کمال می رسند و در این مرحله با پائیز و پایان عمر زیاد فاصله ندارند. شاعر معاصر انگلستان ویلیام باتلر بیتس^{۳۰} در یکی از اشعارش که زیر عنوان "بعد از سکوت طولانی" سروده شده می گوید: "انسان به خرج از دست دادن جوانی و سالهای زندگی است که به حد کمال می رسد" به عبارت دیگر با مرگ

جسمانی که همان گذشت عمر است انسان ذهن خود را صیقل می دهد و وقتی که این صیقل ها مغز، ذهن و خرد را به جلا و درخشش کامل می رسانند از عمر انسان روزهای زیادی باقی نمانده است و پائیز است و پشت سرش زمستان و مرگ.

اگر یک نظر کلی به غزل پائیز بیندازیم تصاویر زیبا و گویائی را بدست می آوریم. غزل در سه قطعه است و هریک از قطعات را می شود از طرق مختلف و ابعاد متفاوت مورد بررسی قرار داد. هر سه طوری تنظیم شده اند که در بیان و نشان دادن هدف اصلی از نظر زمانی و تصویری به یکدیگر کمک می کنند. باز در یک نگاه کلی تر سه قطعه منظم را می بینیم که هر کدام دارای یازده سطر هستند و کلمه پائیز بصورت عنوان در بالای این سه قطعه قرار گرفته است. قطعات یک و دو مناظر زیبا و فعالیت های پائیزی را به تصویر می کشند. قطعه سوم سمفونی صداهائی است که بطور طبیعی عصر پائیزی را جان و مفهوم بیشتری می بخشند. از نظر زمانی هم قطعات گویا هستند. قطعه اول اواخر تابستان است و میوه ها روی درختان و آفتاب کمک می کند تا میوه و صیفی جات به خوبی برسند و خوشه های انگور پر آب گشته و درختان سیب به خاطر محصول خوب خود قد خم کرده اند و آخرین گلهای تابستانی جلوه گر طاق و بستان شده اند و هوا بقدری گرم و مطبوع گشته که زنبوران عسل فکر می کنند تابستان را پایانی نیست. قطعه دوم اوایل پائیز است میوه ها و صیفی جات رسیده و در مزارع موقع جمع آوری محصول است و حتی بعضی از محصولات به انبارها برده شده اند. مزارع را با تصویر پائیزی می بینیم. غلات به منظور جدائی و پاک سازی باد افشان می شود، روی مزارع خطوط جامانده از درو را می بینیم، داس دارد می برد و خوشه ها چیده و جمع آوری می شوند و بالاخره زمانی می رسد که حتی شهد میوه جات، نیز از طریق فشردن آنها، گرفته می شود و این کار ساعتها طول می کشد. قطعه سوم فصل پائیز با تمام معنی فرا رسیده دشتها درو شده و عریانند و هوا روبه سردی می رود و زمان سپری می شود حتی پایان روز است و موقع رسیدن تاریکی شب، حیوانات، حشرات و حتی پرندگان آواز

خدا حافظی سر می دهند و بعضی ها فرارسیدن تاریکی و مرگ را می بینند و ناله و شیون راه انداخته‌اند، می بینیم که پرستوها دورهم جمع شده‌اند و برای مهاجرت آماده می شوند. در این غزل، گذشت و سپری شدن زمان در محدوده یک روز نیز قابل لمس است. قطعه اول تصاویری از صبح را به نمایش می گذارد. قطعه دوم تصاویری از فعالیت های ظهر پائیز است و بالاخره قطعه سوم آوازهای انفرادی و یا دسته جمعی از یک غروب پائیز است.

یکی از فنونی که شعرا در سرودن شعر به کار می برند اعطای شخصیت به اشیاء بی جان است. در "غزل پائیزی" از این فن به نحو احسن استفاده شده و کیتس از سطر دوم، تصاویر و رابطه ها را، همانند رفتارهای انسانی با روح و زنده نشان می دهد. در سطر دوم قطعه اول، پائیز و خورشید، دو شخصیت عمده این شعر، همچون دو انسان رابطه‌ای نزدیک و صمیمی و حتی خصوصی باهم دارند. در قطعه دوم، پائیز را چون انسانی خونسرد می بینیم که در کف انبار غله نشسته و مدتها باید آنجا بماند. سپس پائیز را می بینیم چون دروگری که مشغول کار بوده و عطر و رایحه مزارع تازه درو شده و گلها او را از خود بیخود کرده و در بین شیارهای شخم به خواب فرو رفته است. در مرحله بعدی پائیز را می بینیم که آخرین مانده محصولات باغ و مزارع را دست چین کرده و روی سر خود گذاشته و با احتیاط کامل حمل می نماید و میوه ها و خوشه ها را بدقت طوری بسته بندی کرده که موقع عبور از عرض جویبار تعادلش بهم نخورد. و بالاخره در دو خط آخر قطعه اول، پائیز را چون انسانی می بینیم که نشسته و با صبر و حوصله ساعتها حرکت دستگاه آب میوه گیری را تماشا می کند. سیب ها خرد می شوند و آب آنها قطره قطره از دستگاه به بیرون تراوش می نماید.

کیتس در "غزل پائیزی" در به کارگیری فن "شخصیت دادن" همانند وردزورث به یک عامل حیاتی توجه کامل داشته است. این دو شاعر رمانتیک گاهی پدیده های طبیعت را چون نوزادان زیبا و معصوم معرفی می نمایند و از این طریق

به رابطه نزدیک والدین آنها، که همانا داستان راز بقاست، اشاره می نمایند. وردزورث در قصیده‌ای که در سوم سپتامبر ۱۸۰۲ در وصف شهر لندن سروده زیبائیهای این شهر را در صبحدم با زبان بسیار زیبا و گویا بیان می نماید، و شهر لندن در شعر او زیباتر از همیشه جلوه گر می شود و تماشای این منظره آرام صبحگاهی بقدری وردزورث را متخیر می سازد که او به خدای خود پناه می برد. شهر لندن در صبحدم همچون عروسی است که هنوز از خواب شیرین سحر بیدار نشده و طبیعت که همدم و نزدیک اوست شب را باشهر گذرانده و در این صبحگاهان بصورت لباس عروسی در تن او توصیف شده است. پوشیدن چنین لباسی که همان طبیعت لندن است با تمام سایه روشن هایش به شهر زیبائی و جذابیت خاصی ارزانی داشته است. به عبارت دیگر این صبحدم، به منزله طلوع خلقت و آغاز زندگی بشر است و از این وصلت و هم آهنگی است که نوزادان معصوم و پاک خلقت پا به عرصه حیات می گذارند.

کیتس در غزل خود، خورشید و پائیز را از همان دیدگاه می بیند یعنی خورشید به عنوان پدر و پائیز به عنوان مادر و وصلت آنها سبب شده که پائیز این چنین بارور گردد و محصول این چنین زیبا و خوش طعم و خوش بو در طبیعت بوجود آید. این اوج باروری در نه سطر قطعه اول با تصاویر رنگارنگ دیده می شود و حتی در سطر دوم خورشید بعنوان "بارور کننده" معرفی شده است. سپس در سطر چهارم قطعه دوم توصیف موهای مادر را هنگام باد افشان کردن دانه ها چنان می بینیم که بدست نوازش باد سپرده شده است. و لذا "غزل پائیزی" جشن و سرور باروری و تولد و جمع آوری محصولات است که این چنین در طبیعت برپا شده است.

موضوع تولد، زندگی و مرگ که بطور ضمنی در بیشتر اشعار کیتس بیان شده، در اینجا نیز به نحو احسن خود را نشان می دهد. و این پیام با ظرافت و زیبائی خاصی در سه قطعه یا بند پدیدار می گردد و لذا بند اول تولد است. میوه ها، صیفی

جات و سبزیهای فراوان، چون نوزادان پاک و معصوم، پا به عرصه وجود گذاشته و فریاد می زنند بفرمائید ما آمدیم. بند دوم زندگی عادی و روزمره روستائی است که گذشت زمان را نشان می دهد. و نیز جوی آبی هست که باید از عرض آن گذشت.

بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین

«حافظ»

و این گذر عمر در انبار غله، در مزارع و سایه روشن های آن سپری می شود و این امر در پایان بند دوم با تکرار کلمات ساعتها، ساعتها تاکید و جلوه بیشتری می یابد. سرانجام بند سوم، آیتی است از اینکه همه از خدائیم و بسوی خدا باز می گردیم^{۳۱}. سبک غزل طوری تنظیم شده که کل حواس ما را متوجه خود می سازد. در قسمت اول میوه های جمع آوری شده و رسیده را می بینیم، دست می زنیم و حتی دهان ما نیز مزه آنها را احساس می کند. در قسمت دوم علاوه بر دیدن حس بویائی ما نیز تحریک می شود، بوی مزارع تازه درو شده و حتی بوی گل های خشخاش ما را از خود بیخود می کند و آب میوجات و سیب ها هم گرفته می شود. در قسمت سوم سکوت بعد از ظهر ماه سپتامبر همچون پیش درآمدی، گوشهای ما را آماده شنیدن آواز و ناله و پیام هائی مینماید که از موجودات زنده بصورت تنها و یا دسته جمعی از بین درختان بید رودخانه، از مزارع و تپه ها، و یا از اوج آسمانها هدیه خواهد شد. به عبارت دیگر کیتس جهت ارائه تصاویر رنگارنگ با خلق سه قطعه از سه مسیر اصلی - بینائی، بویائی، شنوائی - به ذهن خواننده راه پیدا می کند. متن انگلیسی غزل که در پائین داده می شود بهترین زبان گویای نکاتی است که تا اینجا اشاره شده است و بعد از مطالعه دقیق آن تفسیر دیگری نیز خواهد آمد که بصورت مکمل شاید عمق و بُعد مناظر و پیام ها را بیشتر نشان می دهد.

برای درک بیشتر عمق و بُعد این غزل، از فنون و صناعات شعری به کار گرفته

شده نباید غافل بود. استفاده از استعاره، جناس، تکرار، تصویر سازی، واژه های تقلید صدا، اعطای شخصیت به چیزهای بی جان و غیره که به برخی از اینها در متن همین مقاله اشاره رفته، زیبایی و مفهوم بیشتری به این غزل بخشیده است. بعضی از کلمات طوری انتخاب شده که تلفظ آنها حرکت و آهنگ شعر را متناسب با مفهوم تنظیم می نماید. همانند اشعار دیگر توصیه می شود برای دست یابی به پیام ها و شنیدن آهنگ ها، غزل با صدای بلند چندین بار خوانده و به گوش دل سپرده شود.

To Autumn

I

Season of mists and mellow fruitfulness,
Close bosom-friend of the maturing sun;
Conspiring with him how to load and bless
With fruit the vines that round the thatch-eaves run;
To bend with apples the mossed cottage-trees,
And fill all fruit with ripeness to the core;
To swell the gourd, and plump the hazel shells
With a sweet kernel; to set budding more,
And still more, later flowers for the bees,
Until they think warm days will never cease,
For summer has o'er-brimmed their clammy cells.

II

Who hath not seen thee oft amid thy store?
Sometimes whoever seeks abroad may find
Thee sitting careless on a granary floor,
Thy hair soft-lifted by the winnowing wind;
Or on a half-reaped furrow sound asleep,
Drowsed with the fume of poppies, while thy hook
Spares the next swath and all its twined flowers:
And sometimes like a gleaner thou dost keep
Steady thy laden head across a brook;
Or by a cider-press, with patient look,
Thou watchest the last ooze hours by hours.

III

Where are the songs of Spring? Ay, where are they?
Think not of them, thou hast thy music too,--
While barred clouds bloom the soft-dying day,
And touch the stubble-plains with rosy hue;
Then in a wailful choir the small gnats mourn
Among the river shallows, borne aloft

Or sinking as the light wind lives or dies;
And full-grown lambs loud bleat from hilly bourn;
Hedge-cricket sing; and now with treble soft
The red-breast whistles from a garden-croft;
And gathering swallows twitter in the skies.

در خواندن و درک اشعار گاهی ما از بُعد و عمق و درون صحبت می‌کنیم و در حقیقت همانند عکس‌های چند بُعدی بعضی از اشعار به تدریج و تکرار و گذشت زمان ابعاد مختلفی را آشکار می‌سازند. "غزل پائیزی" کیتس مفهوم چنین ادراکی را به معرض نمایش می‌گذارد و بعد از بررسی از جهات مختلف، زیبایی‌های پائیز همانند تابلوی زیبا و رنگارنگی جلوه‌گر می‌شود. خود کیتس هم به این امر اذعان داشته و طی نامه‌ای به جی.اچ. رنلدز^{۳۲} علت سرودن این غزل را بیان کرده و اشاره‌ای هم به زیبایی‌های عمیق و درونی مناظر طبیعی پائیزی می‌نماید. و حتی در مقایسه با زیبایی‌های بهار این زیبایی را که پائیز و جمع‌آوری میوه و درو کردن و بار بستن و حمل کردن و سفر است ترجیح می‌دهد. سرسبزی بهار برای وی در آب و هوای سرد سیرانگلستان یک پدیده سرد و سطحی است و خیلی مطلوب و گیرا نیست ولی در عمق زیبایی‌های پائیزی سرّ و پیام‌های درونی بیشتری نهفته است و گوشه‌گوشه آن راز و رمزی را حکایت می‌کند. و حتی آسمان پائیزی با این بادهای تند و گزنده، گرم و مطلوب به نظر می‌رسد و در آسمان همین غزل، پرستوها دور خود جمع می‌شوند و اوج می‌گیرند و مهاجرت خود را با چهچه و خواندن غزل خدا حافظی آغاز می‌کنند. و این سؤال به ذهن‌ها می‌آید که این پرندگان که به این اوج و قله پرکشیده‌اند سفرشان به کجا می‌انجامد و محلی که پناه خواهند گرفت کجاست؟

کل این منظره و دید اولیه و آغاز غزلی که در لفافه‌ای از مه پیچیده شده، و زوایائی که نشان داده می‌شود گویای وجود و مفاهیم درونی و اعماق قضیه است.

شگفت انگیز است که در این اوضاع و احوال از یک طرف مه آلود بودن هوای اوایل صبح این روز زیبا را به ارمغان آورده و از طرف دیگر آفتاب و زمین با رابطه صمیمی و نزدیک دست به دست هم داده‌اند که همه چیز را به حد کمال برسانند و این داستان را به پایان ببرند و در این امر پیوند و دوستی آنها به حدی می‌رسد که حتی با هم پیمان می‌بندند و تدبیری می‌اندیشند که در رساندن به حد مطلوب و اجرای درست نقش خود کوتاهی نکنند. و لذا درختان مو اطراف سایه بانهای بام‌ها، درختان سیب، و اگر از این ارتفاع کمی پائین‌تر را نگاه کنیم، درختان پاکوتاه و بوته‌های رونده روی زمین سهم خود را از این زمین و زمان به حد کمال گرفته‌اند و چنان بارور گشته‌اند که باید چیده شوند، بریده شوند و به انبارها برده شوند... و در این اوضاع و احوال، طبیعت چون مادری دست و دل باز گلها و شکوفه‌های بیشتری را در پایان پائیز ارزانی می‌دارد و به حدی که زنبوران همیشه مشغول و گرفتار، چون انسان‌های همیشه مشغول و گرفتار، فکر کنند داستان زندگی آنها پایانی ندارد و همین نعمت و وفور روزمره، دائمی خواهد بود. در این اوج و قله خودباوری و باروری است که قسمت اول شعر به پایان می‌رسد و خواننده آماده می‌شود که ببیند منزل و مرحله بعدی چیست و قسمت دوم شعر چگونه خواهد بود.

در این مرحله فرصت و مجالی به پائیز داده می‌شود تا چند صباحی هم که شده در طبیعت بماند و زیبایی‌ها و پیام‌های خود را ارزانی بدارد. به عبارت دیگر بعد از قسمت اول برعکس انتظار می‌بینیم هنوز جای تأمل و تدارک بیشتر باقی مانده است و پیام و خوشه‌های بیشتری را می‌توان چید، در حالی که داس طبیعت با شدت و قدرت تمام می‌تازد و شمارش معکوس آغاز گردیده و فاصله کوتاهی بین زندگی و پایان عمر باقی مانده است، و میوه‌های زیبای طبیعت چون بچه‌های معصوم و زیبا که به کمال رسیده‌اند یکی بعد از دیگری زیر چرخ طبیعت خرد می‌شوند و به شکل دیگر و دیگری در می‌آیند، که دگر بار خبری از آنها نخواهد شد.

و در این حال و احوال است که قسمت دوم غزل به پایان می‌رسد و باید ورق زد و پرده را کنار کشید تا مرحله بعدی و قسمت سوم که پایان کار است مشاهده گردد. در مرحله سوم آوازهای زیبای جوانی و بهار زندگی در گذشته دور باقی مانده و فاصله‌ای بین حالت فعلی و گذشته به طور محسوس لمس می‌شود و چنین آوازهایی دیگر شنیده نمی‌شود و به این مرحله می‌رسد که گفته شود گذشته‌ها گذشته، افسوس مسئله‌ای را حل نمی‌کند و دم غنیمت است و این لحظه‌ها و این فصل پایانی نیز زیبایی‌های خود را دارد. چقدر سخن شیخ اجل سعدی شیرازی شاعر بلند آوازه ایران مناسب این مقال است:

خیز و غنیمت شمار جنبش باد ربیع

نالۀ موزون مرغ بوی خوش لاله زار

روز بهار است خیز تا به تماشا رویم

تکیه بر ایام نیست تا دگر آید بهار

در این مرحله جنبش طبیعت به پائیز گرائیده و بایستی صفای آن را غنیمت شمرد. و بایستی این غروب و رنگ‌های باقیمانده را نگریست و درسی گرفت و توشه‌ای فراهم آورد، لحظه‌ها کوتاه است. غروب شامگاهی فرا رسیده، رنگها کم رنگ تر می‌شود، تاریکی و شب در پیش است و "زنگها به صدا در آمده است" ^{۳۳} و گروه آواز خوان ترنم سرودهای مذهبی را که حکایت دنیا و آخرت است آغاز کرده‌اند و بهمین علت هم به عزاداری می‌پردازند و ناله و شیون سر می‌دهند. و عجا این پشه‌های ریز، با این زندگی کوتاه شان به شیون و زاری می‌پردازند. و این مخلوقات ریز خلقت، همچون انسانهایی هستند که از راز و رمز طبیعت چیز چندانی دستگیرشان نمی‌شود و به خاطر مرگ و مهاجرت گریه ^{۳۴} می‌کنند. و بدین طریق داستان زندگی در این دنیا به پایان رسیده، کوس رحلت زده شده، مهاجرت

آغاز گردیده و پدیده های خلقت عظمت خالق متعال را هر کدام بگونه ای به معرض نمایش درمی آورند و راهی این راه می گردند. از بره های معصوم گرفته تا حشرات و پرندگان زیبا با سینه سرخشان در این نوحه خوانی و سرودها شرکت می کنند و پرستوها، با پرواز سریع خود، اوج می گیرند و بالا و بالاتر می روند و در آسمانها دور هم حلقه می زنند و چهچه زنان با این زندگی زمینی و خاکی وداع می گویند و در این مهاجرت و معراج، خود رابدست آسمانهای پاک و لایتناهی می سپارند.

پی‌نوشت‌ها:

1. John Keats (1795-1821)
2. George Gordon Byron (1788-1824)
3. Percy Bysshe Shelley (1792-1822)
4. Spezzia, Italy
5. Rome
6. William Wordsworth (1770-1850)
7. Samuel Taylor Coleridge

جهت اطلاع بیشتر در مورد این شاعر و آشنائی او با قدرت‌های ماوراء طبیعت رجوع شود به مقاله زیر در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بشماره پیاپی ۱۳۲-۱۲۹ در سال ۱۳۷۳ نوشته جاوید قیطانچی تحت عنوان "نگاهی به زندگی ساموئل تیلر کولریج (۱۸۳۴-۱۷۷۲ م) و بررسی 'کوبلا خان' یا رویائی در خواب".

۸. جزئیات کامل زندگی و سبک آثار کیتس اخیراً در مقاله‌ای توسط مایک گرین هاوس زیر عنوان "غزلی برای جان کیتس" نوشته شده که توسط جاوید قیطانچی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده و در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال جاری چاپ و منتشر خواهد شد.

Mike Greenhaus: "An Ode to John Keats"

9. St Thomas's Hospital
10. Edmund Spenser (1552-99)
11. Geoffrey Chaucer (1340?-1400)
12. The Faerie Queene
13. The Lake District

۱۴. جهت اطلاع بیشتر در مورد نامه تامس کیتس (Thomas Keats) مراجعه شود به

مجموعه نامه های کیتس.

15. Tom

16. Fanny Brawne

17. A Pelican Original. A Short History of English Literature, Efor Evans, PP. 59-61

در صفحات ۵۹-۶۱ این کتاب اشاره به زندگی کیتس، به فعالیت های شاعرانه و محتوی نامه های وی شده است. به عمر کوتاه کیتس چنین اشاره می شود: "او هم زمان با کارلایل (Karlyle) به دنیا آمده ولی ۶۰ سال قبل از مرگ کارلایل دیده از جهان فرو بسته است."

18. Microsoft Encarta 98 Encyclopedia, Licensed to: Product ID: 69063-442-9831696-30187 U.S.A.

دایرةالمعارف انکارتا بصورت دیسک کامپیوتری قابل استفاده است.

19. The Concise Cambridge History of English Literature, by George Sampson, CUP, 1970. P.528 Richard Monckton Milnes (Lord Houghton).

20. "The Examiner"

21. "The Solitude"

22. Robert Bridges (1844-1930)

23. Somerset Maugham (1874-1965)

24. "The Fall of Hyperion", 1819

25. Spanish Steps

26. The 1996 Grolier Multimedia Encyclopedia --Keats John.

Designed, Produced and Published by Grolier Electronic Publishing Inc.

دایرةالمعارف گرولیر بصورت دیسک کامپیوتری قابل استفاده است.

27. Josph Severn, John Keats, copyright 1997, The British Library Board.

در شبکه های بین المللی کامپیوتری از منبع بالا نقل قول گردیده است. جهت اطلاعات بیشتر در مورد کیتس در قرن ۱۹ می توان به نشانی زیر در شبکه اینترنت مراجعه کرد.
<http://www.english.uiuc.edu/101/19th cent.html>

28. "On Melancholy"; "On a Nightingale"; "On a Grecian Urn"; "To Autumn".

29. "ripeness is all"

نوشته ویلیام شکسپیر (۱۶۱۶-۱۵۶۴) در نمایشنامه لیرشاه پرده پنجم صحنه دوم سطر نهم.

30. William Butler Yeats (1865-1939): "After Long Silence" , "Bodily decrepitude is wisdom".

۳۱. اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ (قرآن سوره ۲ آیه ۱۵۶)

۳۲. مراجعه شود به نامه های کیتس و به ویژه نامه ای که در سال ۱۸۱۹ به رنلدز J.H.

Reynolds نوشته شده. همین مطلب در جلد دوم مجموعه

نورتون از ادبیات انگلیسی در پاورقی صفحه ۵۶۷ چنین ذکر شده: "دو روز بعد از سرودن این غزل آرام و زیبا، کیتس به جی.اچ. رنلدز نوشت: من هرگز به این اندازه مزارع تازه درو شده را دوست نداشتم - بلی، بهتر از مزارع سبز سرد بهاری هستند. به نحوی مزارع و دشت تازه درو شده گرم به نظر می رسند - به همان ترتیبی که بعضی از تصاویر گرم به نظر می رسند - این حالت بقدری در موقع پیاده روی روز یکشنبه در من تاثیر گذاشت که من این شعر را سرودم."

33. For Whom the Bell Tolls by Earnest Hemingway

(1898-1961).

زنگها برای چه کسی به صدا در می آید. رمانی است که یوسیه نویسنده معاصر و مشهور امریکائی بنام ارنست همینگوی در سال ۱۹۴۰ چاپ و منتشر گردیده. عنوان کتاب از گفتار شاعر قرن هفده انگلیسی بنام جان دان (1571-1631) John Donne گرفته شده و جواب این سوال را جان دان در همان گفتار چنین بیان کرده است: It tolls for you یعنی این ناقوس های کلیسا به خاطر شما به صدا در آمده تا شما را یادآور شود، شما را آگاه سازد، "John Donne, "Devotions, XVII".

پشه کی داند که این باغ از کی است
در بهاران زاد و مرگاش در دی است
کرم کاندر چوب زاید سست حال
کسی بداند باغ را وقت نهال
مثنوی معنوی، از مولوی (دفتر دوم)

جهت مطالعه بیشتر در مورد زیباشناسی و پذیرش طبیعت با تمام بدی و خوبی های آن
مراجعه شود به پایان نامه های کارشناسی ارشد خانم رخشنده نبی زاده در دانشکده
زبانهای خارجی دانشگاه تهران با مشخصات زیر:

Rakhshandeh, Nabizadeh. The Theme of Mortality and
Transience in the Works of John Keats, M.A. Thesis,

October 1993

و خانم سایه میثمی با مشخصات زیر:

Sayeh, Meisami. The Conciliatory Nature of Paradox
in John Keats's Poetry, M.A. Thesis, January 1997

در گروه آموزش زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران پایان نامه کارشناسی ارشد سومی
نیز در رابطه با کیتس نوشته شده که مشخصات آن به ترتیب زیر است:

Behrooz, Soltanee'an. Dream World-View: Keats's Romantic
Mystique, M.A. Thesis, February 1995

جهت مطالعه پایان نامه های کارشناسی ارشد می توان به کتابخانه دانشکده زبانهای
خارجی و یا به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مراجعه کرد.

دایرةالمعارف گرولیبر نسخه ۱۹۹۶ فهرست کتابهای مربوط به کیتس را به ترتیب

زیر داده است: